

## حقوق تجارت

### ۴ - سهام غیر نقدی

موجب ماده ۲۶ قانون تجارت سهام ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی - سهام غیر نقدی سهامی است که در لزاء آن بجای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیاز نامه و غیره داده میشود  
ماده مزبور استثناء بر قاعده کلی است که عوض سهم باید وجه نقد باشد

چنانچه اشاره شد بر حسب مستفاد از قانون تجارت چیزی که در لزاء سهم داده میشود باید وجه نقد باشد ولی گاه اتفاق میفتد که مقتضیات شرکت ایجاب مینماید غیر از وجه نقد نیز بعوض سهم داده شود و این امر تقریباً اختصاص دارد بمواردی که شرکت برای خرید تجارت دائر با رونقی یا خرید و استفاده از امتیازی تشکیل میگردد.

و برای حفظ و تأمین تجارت یا امتیاز مزبور صاحب آنرا شریک در شرکت نموده و سهام شرکت را بمشار الیه داده و تجارت یا امتیاز را در لزاء سهام مزبور قبول می کند این قبیل اقدامات عملیه احتیاط است چون ممکن است اگر قبل از تأمین تجارت یا امتیاز مذکور شرکت تشکیل گردد بعداً دیگر موفق بتحصیل تجارت یا امتیاز فوق الذکر نگردد و خسارات جبران نا پذیری متوجه مؤسسين شود و بهمین مناسبت قانون نیز برای ایجاد طریق و راهحلی اداء چیزی غیر از وجه نقد را در لزاء سهام تجویز نموده است. بنا بر این چون در این موارد وجه نقدی از بابت قیمت سهام داده نمی شود این است که قانون تجارت بمناسبت تفکیک سهام مزبور را غیر نقدی معرفی نموده است.

نظر باینکه طبق مقررات مربوطه بسهم تمهید سهام سهام شرکت قبل از تشکیل آن الزامی است قبول چیزی غیر

از وجه نقد در لزاء سهام فقط در همین موقع ممکن است و بعداً دیگر مورد پیدا نخواهد کرد مگر آنکه مطابق مقررات بسرمایه شرکت افزوده شود و در لزاء سهم جدید چیزی غیر از وجه نقد دریافت گردد

در اینجا نباید تصور رود که تحصیل امتیاز تا تجارتی بغیر از طریق مزبور برای شرکت میسر نباشد - ممکنست شرکتی تشکیل شده و بعداً مثل اینکه سایر مایحتاج خود را تحصیل و خریداری نماید امتیاز برا نیز برای خود تهیه کند یعنی آنرا از مالک خریداری و ثمن آنرا بموجب قرار داد یا بنحوی مقتضی ادا کند حال اگر فروشنده امتیاز شرکت پس از اخذ ثمن معامله مزبور اتفاقاً سهام شرکت را با همان وجوه دریافتی خریداری نماید مشار الیه دارنده سهام غیر نقدی شرکت محسوب نخواهد شد

چنانچه ملاحظه شده آنچه در لزاء سهم داده میشود نقد است یا غیر نقد و این امر تغییری در ماهیت طبقه سهم نمی دهد چه اگر به صاحب امتیازی در مقابل امتیاز او هزار سهم با اسم شرکت داده شود و سهام مزبور کلاً تأدییه شده معرفی شود مشار الیه دارنده هزار سهم با اسم شرکت خواهد بود و با سایر دارندگان این طبقه از سهام شرکت از حیث حقوق فرقی نداشته و در یک ردیف است و بمناسبت مسئولیتی که ممکن است مطابق ماده ۴۲ قانون تجارت متوجه مشار الیه گردد لازم است هویت او همیشه معلوم باشد و چنانچه بعداً ملاحظه خواهد شد مسئولیت مزبور متوجه سهام نبوده و متوجه به شخص است

بانوجه به مستفاد از مادین ۳۸ و ۳۹ قانون تجارت میتوان اظهار داشت که هر چند در مورد سهام نقدی آنچه که در لزاء آن تمهید شده لازم نیست تماماً پرداخته شود

و بموجب قانون ممکن است ثلث آن تأدیه و بقیه بر ذمه تعهد کنندگان باشد ولی در سهام غیر نقدی مورد تعهد باید تماماً تحویل شود بنابراین قیمت اسمی این قبیل سهام همیشه تماماً تأدیه شده است و بقیه ندارد که بر ذمه تعهد کنندگان باشد.

از مجموع مواد مربوطه و آنچه تا کنون گفته شد این نتیجه حاصل است که قانون تجارت خواسته است طبقه برای خرید امتیازات یا تجارت و غیره بدون صرف سرمایه از طرف شرکت ایجاد کند و منظور نداشته که باین وسیله طبقه خاصی از سهام برای شرکت های سهامی فرض نماید.

این عمل را قوانین خارجه بهتر انجام داده اند چه سهام را موسوم به نقدی و غیر نقدی نموده که توهم آن رود که این قبیل سهام طبقه خاصی از سهام شرکت را تشکیل و حقوق و مزایائی برای آن متصور است - قوانین مزبور با قید شرایط خاصی اداء چیزی غیر از وجه نقد از قبیل امتیاز - تجارت و نحو ذلك را در ازاء سهم جایز دانسته و بمناسبت تجویز مزبور در عمل خریدار سهام تعهدی نمی نمایند که مثلاً هزار سهم با اسم شرکت را قبول کنند و امتیاز خود را در ازاء تمام قیمت اسمی سهام مزبور شرکت بدهند برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده و تأمین منظور مواد ۴۱ و ۴۲ قانون تجارت ما قوانین مزبور حق ادعای غبن نسبت به ارزش امتیاز یا تجارت و حق ادعای تزویر و تقلب برای اشخاص متضرر نیز قائل شده است و اگر قانون ما هم این رویه را تعقیب می نمود قضیه خیلی سراسر است میشد.

### ۵ - سهم ممتاز

در ماده ۳۵ قانون تجارت مقرر است که هر شرکت سهامی میتواند بموجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده ۷۴ این قانون تشکیل شده باشد سهام ممتازی ترتیب داده که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایائی داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است باینکه اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد

آنچه راجع به سهام مزبور در قانون تجارت دیده می شود همین ماده است و بس و دیگر در اطراف این موضوع و حقوق و مسئولیت دارندگان این قبیل سهام ذکری بمیان نیامده است بنابراین مسلم آنست که شرکتهای سهامی در انتشار سهامی که دارای مزایائی بر سایر سهام باشد بموجب قانون با تجویز اساسنامه شرکت مجاز میباشند.

جزئیات مزایای فوق الذکر بموجب قانون تعیین نگردیده است و بر حسب مستفاد از ماده ۳۵ تعیین آن با مجمع عمومی شرکت خواهد بود.

سهام ممتاز در حقیقت وسیله تحریص و تطمیع اشخاص در کمک و همراهی مادی شرکت است بنابراین مزایائی که برای این قبیل سهام اغلب پیش بینی و مقرر میشود تابع مقتضیات اقتصادی و اوضاع و احوال تجارتنی زمانی است که تصمیم انتشار آن اتخاذ میشود لذا نمیتوان منجزاً خصوصیات و جزئیات مزایاء مزبور را قبلاً پیش بینی نمود و بهمین مناسبت قانونهم از ذکر آن اجتناب نموده و آنرا تابع تصمیمات مجموع عمومی شرکت قرار داده است بطور کلی مزایائی که معمولاً برای این قبیل سهام پیش بینی میشود یا نسبت به منافع است فقط یا نسبت به منافع و سرمایه هر دو - نسبت به منافع باین کیفیت بعمل میآید که باصرف نظر از میزان منافع سالیانه شرکت ربح معینی نسبت به قیمت سهم از محد منافع شرکت برای سهام ممتاز تعیین که قبل از تقسیم منافع بین دارندگان سایر سهام پرداخته میشود - در صورت اخیر ممکن است رجحان و مزایا را مقید نمود به منافع هر سالی مستقلاً که در این صورت هرگاه در آن سال منافی عاید شرکت نشود که بین دارندگان سهام تقسیم شود دارندگان سهام ممتاز حق نداشته باشند در سال بعد بازمایه منفعتی عاید شرکت میگردد منافع ماضیه را مطالبه و احتساب نمایند و یا ممکن است مزایا را مقید بقید مزبور نمود و بطور کلی ربح ثابت و معینی در سال برای سهام مزبور بعنوان مزیت و برتری بر سایر سهام قائل شد.